

«وطن امروز» به بهانه عملیات رسانه‌ای این روزهای غربگرایان درباره درگیری‌های اوکراین، به بازخوانی مواضع اصلاح‌طلبان درباره لزوم تسلیم ایران در برابر فشارهای خارجی می‌پردازد

تئورپسین‌های خلع سلاح

از هجو و توهین به «میدان» در ایران تا «رئیس‌جمهور در میدان» خواندن دلک آمریک

از تصویر پرحاشیه دیدار رئیس‌جمهور صربستان با ترامپ نیز که همچون متهمی او را مقابل میز رئیس‌جمهور آمریکا قرار داده بودند نیز درس شجاعت بگیرند. در همین زمینه هفته‌نامه «صد» که ارگان مطبوعاتی حزب اتحاد ملت ایران است پاییز سال گذشته با انتشار تصویر مذکور در متنی تحقیرآمیز با عنوان «ناسیونالیسم وارونه» نوشت: «اما آیا واقعا اقداماتی از جنس نشستن رئیس‌جمهور صربستان را باید مایه شرمساری او و ملتش دانست؟ حتی فرض کنیم ادعای روسیه و راست‌گرایان درست باشد و سیاستمدار صرب همچون متهمی در اتاق بازجویی و حتی یک بره مقابل هم‌تای آمریکایی خود نشسته است. آیا اگر منافع صربستان چنین اقتضا کند باید اقدام رئیس‌جمهور این کشور را تمسخر کرد؟ یا باید آن را شجاعتی اخلاقی و عقلانیتی سیاسی خواند که در جهت بهبود موقعیت بین‌المللی و کسب منافع اقتصادی اتخاذ شده است؟»

چنین مواضعی فراتر از خطا بودن استراتژی و فهم یک جریان در مناسبات جهانی، علنا نشان از بی‌غیرتی ملی یک جناح سیاسی دارد.

محزون از شکست پروژه فروپاشی ایران
احتمالا رسواکننده‌ترین موضع در میان اصلاح‌طلبان را باید موضع فائزه هاشمی پس از شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری دانست؛ موضعی که به شکل محیرالعقولی علت پاشساری غربگرایان بر لزوم تسلیم در مقابل خواسته‌های رئیس‌جمهور سابق آمریکا را بر ملا کرد. این عضو حزب کارگزاران سازندگی در بخشی از گفت‌وگوی خود با سایت خبری «انصاف‌نیوز» با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و شکست دونالد ترامپ گفت: «هن یک جایی قبلا هم گفته بودم که برای ایران دوست داشتیم آقای ترامپ انتخاب شود ولی اگر یک آمریکایی بودم به آقای ترامپ رای نمی‌دادم». فائزه هاشمی در پاسخ به خبرنگار که از وی درباره چرایی تحلیلش مبنی بر بهتر بودن انتخاب ترامپ برای ایران سوال پرسیده بود نیز گفت: «به خاطر همین فشارهایی که می‌آورد، بالاخره شاید یک تغییر سیاسی اتفاق بیفتد. مردم هر چه تلاش می‌کنند اصلاحات انجام بگیرد «مرغ یک یا دارد» و هیچ خبری نمی‌شود و برعکس مردم سرکوب می‌شوند، شاید اگر فشارهای آقای ترامپ ادامه پیدا می‌کرد، بالاخره ما مجبور می‌شدیم یک تغییر سیاست‌هایی را داشته باشیم.



داشت با پیش کشیدن این فرض که عدم مذاکره با ترامپ مسبب وضعیت موجود شده است، گفته بود: «فرض کنیم آقای روحانی تصمیم بگیرد با رئیس‌جمهوری آمریکا دیدار کند و ترامپ را به آرزوی دیرینه‌اش یعنی عکس یادگاری برساند. اگر روحانی این تصمیم را بر اساس برداشت و تحلیل شخصی‌اش بگیرد، عملی نادرست مرتکب شده، چون صرفا خود را قربانی کرده است اما همین عمل ممکن است در حالی دیگر درست و دقیق باشد. اگر عقل جمعی کابینه و نظرها کارشناسی، مذاکره را توصیه کند و مذاکره را مثلا به استعفا بزند و حتی رضایت جمعی از نمایندگان مجلس را هم جلب کند، همان عمل نادرست، موجه می‌شود، زیرا پس از مذاکره احتمالی روحانی - حتی بدون استیضاح - که ممکن است هر عاقبتی را در پی داشته باشد، هزینه‌ها سرشکن شده است». حجاریان مردادماه سال گذشته نیز با انتشار یادداشتی با عنوان «خشمگین از امپریالیسم: ترسان از انقلاب» در روزنامه «شرق» با بیان مواضع چهارگانه میان «مذاکره»، «جنگ»، «داخل» و «خارج» و استیضاح این نکته که اصلاحات در نقطه بن‌بست خود قرار گرفته است، به بیان راهکارهایی در زمینه برون‌رفت از این بن‌بست اشاره کرد و نوشت: «بخشی در داخل معتقد است نباید از سطح اصلاحات نمایشی فراتر رفت. غافل از آنکه چنانکه گفته شد، زمان به ضرر کشور در حال سپری شدن است و چنانچه اصلاحات ساختاری کلید نخورد، شاید خیلی زود دیر شود» در این شرایط به گمان من باید به طور عاجل در ۲ جبهه مذاکرانی شکل بگیرد: «اما تشویق همه‌جانبه حجاریان نسبت به مذاکره با دولت ترامپ را نمی‌توان مساله‌ای در بستر شرایط اضطراری دانست، چرا که او اساسا در نظام تحلیلی خود ترامپ را شخصیت مناسبی برای هرگونه مذاکره می‌دانست، تا جایی که مهرماه سال ۹۸ نیز در گفت‌وگو با روزنامه شرق گفته بود: «من معتقدم ترامپ به دلیل ویژگی‌های شخصی و شکست‌هایی که در سیاست خارجی‌اش خورده است، نیازمند یک برد ولو کوچک است تا از پیچ انتخابات ۲۰۲۰ بگذرد، لذا مسؤولان ما می‌توانند از این فرصت استفاده کرده و با ترتیبات دیپلماتیک از آخرین فرصت‌ها استفاده کنند تا مشکل تحریم‌ها را ولو به صورت ناقص و موقت حل کنند»

شجاع باشیم و زانو بزنیما
صراحت رسانه‌های اصلاح‌طلب برای لزوم تسلیم شدن مقابل ترامپ به این حد نیز محدود نشد تا این جراید حتی دیگر چهره‌هایی بود که در طول عمر دولت ترامپ همواره خواهان مذاکره با وی تحت هر شرایطی بود. در همین زمینه یک جست‌وجوی کوتاه در حساب توییتری وی ما را با مجموعه‌ای از مواضع گوناگون پیرامون مذاکره با دولت ترامپ و کوتاه آمدن در برابر لزوم زیاده‌خواهی‌های او مواجه می‌کند. او پس از خروج ترامپ از برجام در توییتری نوشت: «اگر جای روحانی بودم اعلام می‌کردم به‌رغم بی‌اعتمادی به ترامپ که به تعهدات کشورش پایبند نبوده، حاضرم برای نبل به صلح پایدار درباره همه مسائل بویژه لزوم تغییر رفتار بی‌ثبات‌ساز آمریکا در خاورمیانه و مداخلات گذشته‌اش در ایران، در حاشیه اجلاس سران سازمان ملل با او صریح و شفاف گفت‌وگو کنم». تاجزاده البته تنها به این قانع نشد و مرتبط ساختن هر حادثه‌ای برای نسبت دادن آن به لزوم مذاکره با ترامپ را در دستور کار خود قرار داد؛ برای نمونه پس از انهدام پهپاد گلوبال هاوک بود که در موضعی دیگر نوشت: «با سرنگونی پهپاد آمریکایی، فرصتی مناسب برای ورود به فاز دیپلماتیک فراهم شده است. جمهوری اسلامی می‌تواند آمادگی خود را برای مذاکره با آمریکا به منظور کاهش تنش و عنداللزوم حل‌وفصل مسائل دوجانبه، به شرط آمادگی ایالات‌متحده برای بازگشت به برجام اعلام کند»

صداقی زیباکلام که از پرسروصداترین افراد اردوگاه اصلاحات به شمار می‌آید و سال ۹۵ در یادداشتی معروف در روزنامه آفتاب یزد مدعی شده بود مردم آمریکا نمی‌گذارند ترامپ از برجام خارج شود، سال گذشته و در هفته‌های منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در روزنامه «آرمان ملی» نوشته بود: «چه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور شود یا جو بایدن به پیروزی برسد، دولت ظاهرا چاره‌ای جز تغییر برخی ایده‌ها ندارد. اگر دونالد ترامپ در انتخابات پیروز شود، قصد دارد هزینه بیشتری بر ما تحمیل کند، البته ما هم می‌توانیم مشکلاتی برای آنها ایجاد کنیم. اگر جو بایدن برنده شود با هزینه کمتری حرکت می‌کنیم. اینکه باید جمهوری اسلامی به سمتی حرکت کند و تغییراتی به وجود آورد تا از این مرحله عبور کنیم، هیچ تردیدی وجود ندارد».

سعید حجاریان از دیگر چهره‌های سرشناس جبهه اصلاحات بود که گام را فراتر از همه مواضع شاذ غربگرایان گذاشته و حتی ترامپ را بهترین گزینه برای مذاکره خوانده بود. وی در مصاحبه‌ای که آذرماه سال ۹۸ با روزنامه «پران»

سوزاندن برگ مذاکره در دولت ترامپ
مذاکرات این روزهای ایران و ۴۰۱ در وین در حالی به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود که ایران در سال‌های گذشته و پس از خروج یک‌طرفه آمریکا از تعهدات برجامی‌اش در شرایط سخت و دشواری قرار گرفت. ترامپ که به خیال خود با تحت فشار قرار دادن ایران به دنبال مذاکراتی جدید و اخذ امتیاز بیشتر از سوی کشورمان بود با موضع قاطع رهبر انقلاب مبنی بر عدم مذاکره مواجه شد. البته اصلاح‌طلبان هر چه در توان داشتند را به میدان آوردند تا از پذیرش شرط ترامپ و آغاز مذاکرات جدید دفاع کنند. آنچه که اکنون قطعی است میزان اشتباه استراتژیک اصلاح‌طلبان است، چرا که اگر ایران طبق نسخه غربگرایان با ترامپی که از برجام خارج شده بود وارد گفت‌وگو می‌شد امتیازات بیشتری اعطا می‌کرد نه تنها اکنون دیگر برای بازگشت طرف مقابل به تعهدات سال ۲۰۱۵ شرط و شروط نمی‌گذاشت که باید امتیازات جدیدی به دولت بایدن نیز می‌کرد تا دولت فعلی نیز با مشاهده اثربخشی رویه ترامپ بار دیگر از اندک تعهدات خود خارج نشود.

با این حال مواضع اصلاح‌طلبان در زمان عهدشکنی ترامپ موضعی کاملا در تضاد با منافع ملی بود که به برخی از آنها در ادامه می‌پردازیم.
خرداد ۹۷ تنها یک ماه پس از خروج دولت آمریکا از توافق هسته‌ای خبر انتشار نامه ۱۰۰ فعال اصلاح‌طلب با موضوع پذیرش «مذاکره بدون پیش‌شرط» با ترامپ خبرساز شد؛ نامه‌ای که در میان اسامی امضاکنندگان آن نام‌های آشنایی از برخی فعالان خارج‌نشین فتنه ۸۸ نیز به چشم می‌آمد اما نامی که بیش از همه جلب توجه می‌کرد «غلامحسین کرباسچی» دبیر کل وقت حزب کارگزاران سازندگی بود؛ کرباسچی تنها یک ماه پس از خروج غیرقانونی ترامپ از برجام، مذاکره بدون پیش‌شرط با او را به عنوان نسخه نجات‌بخش تضمین می‌کرد. در حالی در بخشی از نامه مذکور از رهبر انقلاب درخواست شده بود «فارغ از جنگ‌های روانی کاخ سفید با یک تصمیم ملی اعلام کند حاضر به انجام مذاکرات بدون قید و شرط با آمریکا است تا قدمی در راه حل مشکلات و اختلافات برداشته شود» که در پیش گرفتن این رویه می‌توانست ایران را وارد یک دومینوی مرگبار نقض عهد آمریکا و اعطای امتیاز بیشتر از سوی ایران کند.
مصطفی تاجزاده از چهره‌های تندرو جریان اصلاحات از

گروه سیاسی: درگیری‌های اوکراین عمده تحولات سیاسی و غیرسیاسی جهان را تحت تاثیر خود قرار داده است. دیگر کمتر عرصه‌ای را می‌توان پیدا کرد که ردی از نزاع مسکو و کی‌یف در آن مشهود نباشد. در این میان اما مواجهه عجیب و بی‌سابقه نهادهای جهانی با این درگیری و تلاش برای حذف هر آنچه که به شکلی به روسیه منسوب می‌شود تا جایی پیش رفته که ردی داستایوفسکی و گربه‌های روس نیز در لیست تحریم‌های اروپا گنجانده شده‌اند. گویی تمام این اقدامات خبر از یک چیز دارد: اجماع دولت‌های غربی برای وادار کردن روسیه به عقب‌نشینی است، البته این سریال رفتارهای غربی‌ها تنها به حوزه جغرافیایی‌شان محدود نشده و غربگرایان ایرانی هم که همواره خود را متعهد به تکرار مواضع و دفاع از منافع غرب می‌دانند در ۱۰ روز گذشته از هیچ تلاشی برای انجام وظیفه خود شانه خالی نکرده‌اند. آنها که روزگاری نه چندان دور صراحتا از لزوم خلع سلاح ایران برای نبل به توسعه و پیشرفت اقتصادی سخن می‌گفتند، حالا پس از شلیک نخستین گلوله روسیه به سمت اوکراین طرفداران دوآتشه مقاومت شده‌اند. آنها که حتی پس از خروج دولت سابق آمریکا از توافقی که دولت این کشور با ایران امضا کرده بود، تهران را مقصر می‌خواندند و از دادن امتیازات کم به واشنگتن گلايه می‌کردند، حالا درباره لزوم ایستادگی اوکراین مقابل اقدام نظامی روسیه به تقسیر و تعبیرهایی عجیب می‌پردازند. آنها که تا چند ماه پیش برای دوقطبی‌سازی فضای انتخابات بازی خائنان «میدان- دیپلماسی» را آغاز کرده و همه هجمه‌شان را بر میدان معطوف کرده بودند و در این مسیر حتی ننگ ابدی جسر است به سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی را برای خود خریدند، حالا رئیس‌جمهور واداده اوکراین که هر روز برای دریافت کمک از غربی که اوکراین را وارد این مهلکه کرده مقابل دوربین‌ها التماس می‌کند را «رئیس‌جمهور میدان» می‌خوانند و از او قهرمان‌سازی می‌کنند.

شرح و تکرار آنچه این روزها از سوی اصلاح‌طلبان سر می‌زند احتمالا تکرار مشاهدات هر روزه مردم ایران است اما سوالی که در این میان کلیدی است، نسبت اصلاح‌طلبان با «استقلال و اقتدار ملی ایران» است. آیا جریانی که در این سال‌ها همواره استقلال را نافی هضم شدن ایران در مناسبات جهانی و توسعه اقتصادی خوانده بود، می‌تواند امروز بر چمدان استقلال برای دیگر ملل باشد؟ آیا جریانی که صراحتا از خلع سلاح ایران دفاع می‌کرده می‌تواند منادی اقتدار ایرانیان در برابر تجاوز خارجی باشد؟ پاسخ این سوالات را بهتر از هر چیز در گذشته جریان غربگرا بویژه موضعی که در سال‌های ریاست‌جمهوری ترامپ اتخاذ کرده بود می‌توان یافت.

هر چند عمر مرحوم رفسنجانی به عنوان پدر معنوی جریان غربگرا انقدر به دنیا نماند که دوران ریاست‌جمهوری ترامپ و نقض شدن تک تک مواضع خود را به مشاهده بنشیند اما موضع مشهور وی مبنی بر «دنیای فردا دنیای گفت‌مان هاست و نه موشک‌ها» تبدیل به نمادی از تفکر و جهان‌بینی اصلاح‌طلبان در مواجهه با واقعیت‌های بین‌المللی شد. هاشمی‌رفسنجانی تنها چندماه پیش از درگذشتش ایده خلع سلاح ایران را با تمسک به الگوی خیالی و دور از واقع پیشرفت آلمان و ژاپن مطرح کرده و گفته بود: «اگر می‌بینید آلمان و ژاپن این روزها محکم‌ترین اقتصاد دنیا را دارند، اینها بعد از جنگ دوم جهانی از اینکه نیروی نظامی داشته باشند، محروم شدند. نیروهای نظامی بیشترین خرج کشورهای در حال جنگ را می‌برند و از این رو با این اقدام پول‌هایشان آزاد شد و به دنبال کارهای علمی و تولیدی رفته و اقتصاد دانش‌بنیان برای خود درست کردند، لذا دیگر آسیب‌پذیر هم نیستند، این راه در ایران باز شده است و مدیران و دلسوزان باید وارد این فضا شوند؛ مطمئنم دوره دوم دولت روحانی می‌تواند ما را به آنجا برساند»

با این حال آغاز دوران ریاست‌جمهوری ترامپ و خروج یک‌طرفه ترامپ از این توافق، ترور فرمانده ارشد نظامی کشورمان و دیگر سیاست‌های خصمانه کاخ سفید کافی بود تا اصلاح‌طلبان جامه توپان به تن کرده و در روش و منش سیاست خارجی خود تجدیدنظر کنند. اما آنچه در واقعیت رخ داد نه تنها نسبتی با تجدیدنظر نداشت که گفتار و رفتاری رادیکال‌تر را در وادادگی و تشویق ایران به تسلیم در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا به نمایش گذاشت. از همین‌رو بیره نخواهد بود اگر اصلاح‌طلبان شناخته‌شده را «تئورپسین‌های خلع سلاح ایران» بخوانیم.
حوادث اوکراین فرصت خوبی است تا به بهانه مواضع مضحک این جریان که همواره سعی می‌کردند با دوگانه‌سازی میان گفت‌مان انقلاب اسلامی و منافع ملی ایران، خود را نماینده وجه دوم بخوانند به بازخوانی گفتار و رفتار اصلاح‌طلبان در سال‌های اخیر و تمایل‌شان برای تسلیم ایران در مقابل اقدامات دولت آمریکا بپردازیم.

این مسیر تنها متعلق به شماست.
اینترنتی "کاملا" اختصاصی برای کسب‌وکار شما

رسپینا

بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده پهنای باند اختصاصی به سازمان‌ها در ایران

@respinaofficial

www.respina.net

تلفن: ۰۲۱-۹۲ ۰۰ ۰۰ ۰۰

شرکت داده‌مردانی رسپینا
(سهامی خاص) - شماره ثبت (۱۳۹۱)
دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۴۰
از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی